



اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری برای سیاست پولی

حجت الاسلام و المسلمین محمدنقی نظرپور^۱

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه مفید

چکیده

نظر به ممنوعیت و الغاء بهره در اقتصاد اسلامی و به تبع آن تغییر قانون عملیات بانکی ایران، عملکرد عملیات بازار باز از طریق خرید و فروش اوراق قرضه که مبتنی بر نرخ بهره است کارایی نداشته و اساسی ترین ابزار سیاست پولی برای کنترل نقدینگی از اختیار بانک مرکزی خارج گردید. اوراق بهادار پیشنهادی استصناع می‌تواند ابزاری جایگزین برای اوراق قرضه تلقی شده و بانک مرکزی می‌تواند با خرید و فروش این اوراق در بازار اولیه و ثانویه و با اعمال سیاستهای پولی مناسب، به اهدافی نظیر ایجاد اشتغال، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، بهبود موازنه پرداختهای خارجی و رشد اقتصادی دست یابد. مقاله حاضر ضمن تبیین عقد استصناع و بیان ماهیت آن از نظر فقهی به تصحیح آن پرداخته و سپس کیفیت بکارگیری آن در اقتصاد کشور و چگونگی بکارگیری بانک مرکزی از اوراق استصناع برای اهداف اقتصادی را تبیین می‌کند.

کلمات کلیدی: اوراق استصناع، سیاست پولی، بانکداری بدون ربا، تأمین مالی طرحها.

مقدمه

یکی از مهمترین وظایف نظام بانکی کنترل و هدایت متغیرهای اساسی اقتصاد کلان از طریق اجرای خرد مندانه سیاستهای پولی و تنظیم عرضه پولی می‌باشد. قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز بر سامان دهی، کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار به عنوان وظیفه نظام بانکی تأکید دارد. بانکهای مرکزی برای اجرای سیاستهای پولی و دستیابی به اهدافی نظیر دستیابی به رشد و اشتغال و تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و بهبود بخشیدن به موازنه پرداختهای خارجی ابزارهای متفاوتی چون عملیات بازار باز، تغییر نرخ ذخیره قانونی، تغییر نرخ تنزیل مجدد در اختیار دارند.

با الغاء نرخ بهره در اقتصاد اسلامی و به تبع آن تغییر قانون عملیات بانکی ایران ابزارهای مبتنی بر نرخ بهره نظیر اوراق قرضه طبعاً کارایی ندارد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا ابزارهای دیگری مطابق با قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌توان مطرح نمود که مشکل حقوقی اوراق قرضه را نداشته و در عین حال از کارایی مطلوبی برخوردار باشد؟

مقاله درصدد است اوراق بهادار استصناع، را به عنوان ابزاری مناسب برای اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی مطرح نماید. بدین معنی که دولت بانکها یا مؤسسات و نهادهای مالی و اعتباری می‌توانند با انعقاد قرار دادهایی مربوط به تولید کالای خاص یا احداث طرح و پروژه‌های ویژه، اوراق بهادار استصناع را با سر رسید مشخص در اختیار پیمانکار یا سازنده بگذارند و این اوراق ابتدا در بازار اولیه و سپس در بازار ثانویه با مجوز بانک مرکزی قابل خرید و فروش بوده و بانک مرکزی بتواند با خرید و فروش این اوراق در بازار، سیاستهای پولی مورد نظر را برای تنظیم حجم نقدینگی اعمال نماید. این مقاله به مباحثی نظیر معنای استصناع، ماهیت عقد استصناع، استصناع و قانون عملیات بانکی بدون ربا، ضرورت بازارهای مالی و سیاست پولی، ضرورت طراحی ابزاری مناسب برای جایگزینی اوراق قرضه در عملیات بازار باز، ضوابط حاکم بر طراحی ابزارهای جایگزین، چگونگی انتشار اوراق بهادار استصناع به صورت مستقیم و غیر مستقیم، چگونگی ابزاریابی با این عقد، بازار اولیه و ثانویه این اوراق و چگونگی کارکرد آن در راستای سیاست پولی، شرایط فقهی لازم برای انتشار اوراق استصناع و ویژگی‌های این اوراق می‌پردازد.

این مقاله در صدد است این ابزار را در چهار چوب عملیات بانکی بدون ربا مطرح و نظام بانکی کشور را یک گام به جلو برد، و تا حدودی از محدودیت‌های پیش رو بکاهد و اهداف مورد نظر سیاستهای پولی منطبق با فقه اسلامی را تا حد امکان عملی سازد.

معنای استصناع

استصناع در لغت از ماده صنع و بر وزن استفعال به معنای طلب احداث یا انجام کاری است. ابن منظور در لسان العرب (ج ۷، ص ۴۲۰) می‌گوید: «و استصنع الشیء: دعا الی صنعہ» و در اصطلاح معانی

مختلفی برای آن ذکر شد، برخی بیان داشتند: «استصناع عبارت از توافق با صاحبان صنایع برای ساختن شیئی معین مانند تخت یا در و... برای شخص پیشنهاد دهنده است» (هاشمی شاهرودی، ص ۳) و برخی به جای کلمه استصناع از عقد استصناع سخن به میان آورده و بیان داشتند «مراد از عقد استصناع یا قرارداد سفارش ساخت این است که کسی به نزد صنعتگر بیاید و از او بخواهد که تعدادی از کالاهایی را که می‌سازد به ملکیت او در آورد. در عین حال، قرار دادی میان این دو به امضاء می‌رسد که صاحب صنعت تعداد مورد توافق را برای وی بسازد و قیمت آنرا دریافت دارد. (مومن، (۱) ص ۲۰۱) و برخی نیز بیان داشتند. «استصناع خرید چیزی است به قیمت معین که طبق ویژگی‌های مورد توافق در زمان آینده ساخته یا احداث می‌شود، به بیان دیگر موضوعی که عقد استصناع در باره آن منعقد می‌شود غالباً در زمان عقد موجود نیست. ولی توسط سازنده یا پیمانکار در آینده ساخته می‌شود. (زرقا، ص ۱۲۱)

گر چه در تعاریف فوق برخی کلمات وجود دارد که محدوده استصناع را ضیق می‌کند اما به نظر می‌رسد برخی قیدها، قیدهای گرفته شده از مصادیق است از این رو می‌توان گفت ماهیت استصناع فراتر از آنست. در تعریف اول، توافق با «صاحبان صنایع» ذکر شد ولی در ماهیت استصناع مطمئناً این قید نیست این قرار داد می‌تواند با صاحبان صنایع یا واسطه‌هایی که با صاحبان صنایع در ارتباطند قابل انعقاد باشد. همچنین اگر مقصود از شیئی یا کالا محسوس و ملموس باشد این نیز به عنوان مصداقی از مصادیق استصناع شمرده می‌شود و الا اگر خدمتی هم مورد عقد استصناع قرار گیر بعید نیست که در چهار چوب استصناع گنجانده شود. با این نگاه می‌توان یک پروژه تحقیقاتی و مطالعاتی که یک کار خدماتی و تولید کالا به معنای اقتصادی آن است نیز در قالب این عقد قابل توافق باشد. همچنین می‌توان عقد استصناع را از حالت قرار داد بین دو طرف حقیقی خارج نمود و طرفین قرار داد را اعم از افراد حقیقی و حقوقی قلمداد شود. با توجه به ملاحظات فوق می‌توان تعریف استصناع را به صورت زیر مطرح نمود:

استصناع یا قرار داد سفارش ساخت قرار دادی است بین دو شخص اعم از حقیقی و حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا احداث طرح ویژه که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمانهای توافق شده به صورت نقد یا اقساط پرداخت گردد.

با توجه به تعریف فوق می‌توان گفت دامنه عقد استصناع بسیار گسترده و وسیع است و شامل سفارش ساخت کالاهای بیشمار نظیر فرش، خانه، اتومبیل، کشتی، هواپیما و طرحها و سفارش احداث شرکت‌های کوچک و بزرگ و حتی احداث شهرکها و مجموعه‌های بزرگ صنعتی و طراحی یک پروژه یا اصلاح ساختار یک تشکیلات و... می‌شود.

عقد استصناع عقدی مستحدث در زمان حاضر نیست بلکه از گذشته‌های دور این عقد مطرح بود و فقهای بزرگوار بعضی از احکام فقهی آنرا نیز مطرح نمودند. شیخ طوسی در الخلاف (کتاب السلم ج ۳

ص ۲۱۵) و المبسوط (فصل امتناع ذی الحق عن اخذه ج ۲، ص ۱۹۴) و شافعی در الام (باب السلف فی الشیء المصلح لغيره ج ۳ ص ۱۳۱) و سرخسی در المبسوط (کتاب البیوع ج ۱۲، ص ۱۳۹) عقد استصناع را مطرح کرده و پیرامون جواز یا عدم جواز آن مباحثی را مطرح نمودند (مومن ص ۲۰۶ - ۲۰۱).

موضوعات مورد استصناع نیز در گذشته محدود بوده و شامل سفارش ساخت اشیای نظیر چکمه، کفش، ظروف چوبی و رویی و آهنی و... میشد. ولی امروزه بسیار گسترده و شایع شده و بسیاری از پروژه‌ها و طرحهای کلان کشورها نظیر انتقال خطوط نفت و گاز، کارخانه‌های عظیم پتروشیمی، سد سازی و ذوب آهن و هواپیما سازی و کشتی سازی در چهار چوب این قرار داد احداث می‌شود.

ماهیت عقد استصناع

آیا این عقد در چهار چوب حقوقی عقود متعارف نظیر بیع، اجاره، جعاله، سلم و... قرار می‌گیرد و یا اینکه عقد مستقلی است. اگر در چهار چوب عقود متعارف بگنجد طبیعی است احکام همان عقود بر این عقد نیز بار می‌شود.

و اگر عقد مستقلی محسوب شود چهار چوب‌هایی که عقلاء برای آن عقد در نظر می‌گیرند و بدان عمل می‌کنند مادامی که مخالفتی با حکمی از احکام اسلام نداشته باشند کاملاً مورد پذیرش است.

در این زمینه کلام آیه الله مؤمن را به اختصار از مقاله ایشان نقل می‌کنیم:

عقد استصناع آنگونه که در دنیای واقعی تحقق می‌یابد به سه صورت زیر است:

الف) گاهی پس از گفتگوهای لازم میان طرفین قراردادی امضاء می‌شود که مطابق آن سازنده مقداری از مصنوعات خود را به ازاء قیمت مشخص به ملکیت سفارش دهنده در می‌آورد و سفارش دهنده هم این ملکیت را می‌پذیرد. در این صورت، تملیک و تملک قطعی و بدون حالت انتظار صورت می‌گیرد.

در این مورد تفاوتی بین این قرار داد و بیع ملاحظه نمی‌شود جز اینکه آن کالای مورد معامله ساخته نشده و خریدار شرط کرده است که فروشنده آنرا بسازد و تحویل دهد و انضمام این شرط باعث خارج شدن قرار داد از حقیقت آن یعنی بیع نمی‌شود. زیرا حقیقت بیع گسترده است و نمی‌توان خالی بودن از این شروط را در آن، شرط دانست. پس مفهوم بیع بر آن منطبق می‌شود و باید تمامی شرایط درستی بیع را دارا باشد. خواه شرایط خود عقد باشد و خواه شرایط عوضین و یا شرایط فروشنده و یا خریدار.

بنابر این اگر کالای مورد سفارش موضوعی جزئی باشد، نظیر سفارش ساخت کشتی مشخصی که مقداری از آن ساخته شده است، این سفارش در حقیقت فروختن یک کالای موجود است. مشروط بر اینکه مقداری باقی‌مانده در بدن ضمیمه شود. این نوع معامله بیع است. البته به شرط اینکه خصوصیات مشخص

باشد. نظیر اینکه سفارش دهنده شرط کند که سازنده باید ساخت آن کشتی را با خصوصیات معین به اتمام برساند.

اما اگر کالای مورد سفارش امری کلی باشد، مصداق بیع سلم خواهد بود که طبق نظر مشهور فقها، تمام شرایط بیع سلم از جمله دریافت قیمت پیش از پراکنده شدن فروشنده و خریدار از مجلس عقد در این قرار داد نیز باید موجود باشد اما اگر تمام قیمت در مجلس و پیش از متفرق شدن طرفین پرداخت نشود گر چه عنوان سلم بر آن صدق نمی کند اما این موجب باطل شدن این قسم از عقد نمی شود زیرا با صدق عنوان بیع بر این معامله و اطلاق آیه «احل الله البیع» بر آن: حکم صحت عقد بار می شود.

ب) گاهی میان سفارش دهنده و سازنده، عقد و قرار داد قطعی بسته می شود مبنی بر اینکه سازنده کالا را بسازد و پس از ساختن، آن را به سفارش دهنده بفروشد این قسم بیع محسوب نمی شود زیرا در این قرار داد تصریح شد که خرید و فروش پس از ساخت انجام شود. لکن این قسم مصداق قطعی عقد است و عموم کلام خداوند «اوفوا بالعقود» شاملش می شود و دلیلی بر تخصیص آن نیز وجود ندارد. بر این اساس بر هر یک از طرفین قرار داد واجب است به آنچه در قرار داد آمده و بدان ملتزم شدند وفا کنند. نویسنده با تاکید صحت استصناع در صورت عدم قبض ثمن در مجلس به ایرادات به صورت زیر پاسخ می دهد:

۱. ممکن است اشکال شود که در صورتی که کالای فروخته شده کلی در ذمه فروشنده باشد و تمام و یا مقداری از قیمت آن کلی نیز بر ذمه خریدار باشد این معامله دین به دین خواهد بود که در روایت از آن نهی شده است. قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) لا بیع الدین بالدین. (کافی، ج ۵، ص ۱۰۰) اما باید دقت داشت که ظاهر روایت شامل موردی می شود که عوضین قبل از بیع به صورت دین در ذمه طرفین باشد و آنان در یک بیع دین های مذکور را با هم معاوضه کنند. اما در مورد عقد استصناع فرض بر این است که هیچ کدام از خریدار و فروشنده پیش از عقد و با قطع نظر از آن به دیگری بدهکار نیست، بلکه پس از خرید و فروش هر کدام به دیگری بدهکار می شود پس از مصادیق بیع دین به دین به شمار نمی رود.

۲. همچنین ممکن است اشکال شود که در صورت عدم شرطیت پرداخت قیمت در مجلس این نوع استصناع از قبیل بیع کالی به کالی می شود که از دعائم الاسلام از رسول الله (صلی الله علیه وآله) نقل شد که «انه نهی عن بیع الکالی بالکالی» (مستدرک باب ۱۵ از ابواب الدین و القرض ح ۱ ج ۲ ص ۴۹۱) در پاسخ به این اشکال نیز باید بیان داشت اولاً این خبر گر چه مشهور است از طریق امامیه به صورت معتبر نقل نشد و ثانیاً در برخی تفاسیر بیع کالی به کالی به بیع دین به دین تفسیر شده است که در بند قبل توضیح داده شد.

نکته قابل توجه این است که در صورتی که تمام قیمت و یا برخی از آن در مجلس عقد پرداخت نشود از عنوان سلم خارج می‌شود و از جهت عقد سلم نمیتوان حکم صحت را بر آن جاری نمود. اما آیا حقیقت بیع منحصر به سلم است؟ بیع نقد و نسبه بیع هستند اما عنوان سلم بر آنها صادق نیست در عین حال عموم «اوفوا بالعقود» و اطلاق «احل الله البیع» شامل آن دو می‌شود.

ج) در این صورت صرفاً مواعده‌ای میان طرفین صورت می‌گیرد و هیچ کدام از این دو به چیزی التزام نداده است. بدون شک قرار داد بسته شده میان آنها توأم با اطمینان نیست و هر کدام از طرفین آشکارا بیان کرده که ملزم نیست بر طبق این قرار داد عمل کند و دلیل شرعی هم بر الزام وجود ندارد. پس بر این قسم عنوان بیع صادق نیست و طبعاً مشمول اطلاق آیه شریفه «احل الله البیع» و «اوفوا بالعقود» نخواهد بود. اگر طرف نخواست نمی‌سازد چنان که خریدار نیز پس از آن که کالای مورد توافق بر او عرضه شد اختیار دارد اگر خواست آنرا می‌خرد و اگر نخواست نمی‌خرد. (مؤمن (۱)، ۲۳۹ - ۲۰۷)

آیه اله‌هاشمی شاهرودی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان استصناع (سفارش ساخت کالا) ضمن بیان آرای فقهای شیعه در باب استصناع به توجیهاات پنج گانه برای صحت استصناع پرداخته و سپس به نقد و بررسی آنها همت می‌گمارد. اما در عین حال در توجیه دوم در قالب بیع شخصی و بیع معدوم استصناع را اینگونه توجیه می‌کنند:

«... البته می‌توان استصناع را نه بر اساس بیع سلم و بیع کلی بلکه بر اساس بیع شخصی حتی بر اساس بیع معدوم - چنان که از اکثر حنفی‌ها نقل شده است - تحلیل کرد. بدین صورت که مبیع، کلی در ذمه سازنده نیست، بلکه مبیع شخصی است، یعنی مشتری کالایی را که سازنده می‌سازد و کالایی واقعی است و به صورت مواد اولیه یا به صورت کلی در معین دارد می‌خرد، بدین معنی که هر گاه به تعداد بیشتری ساخته شده باشد، کالای مورد سفارش نیز در میان آنها به صورت کلی در معین وجود خارجی خواهد داشت. چون مشتری نسبت به کالا شناخت دارد و با توجه به التزام سازنده به ساختن آن، به تحقق آن اطمینان دارد، معامله او باطل نیست. وجه بطلان معامله، امری عقلی نیست، بلکه چیزی است مانند لزوم غرر که با شناخت کالا و اطمینان از ساخت آن بر طرف می‌شود.

در این صورت، استصناع از صورت بیع سلف خارج می‌شود چرا که سلف اختصاص به موردی دارد که بیع، کلی در ذمه باشد. همچنین روایات بطلان بیع معدوم نیز شامل استصناع نمی‌شود. زیرا این روایات منصرف به مواردی است که مبیع در خارج شناخته شده نبوده و اطمینانی به تحقق آن در ظرف زمانی خودش نباشد که موجب رفع غرر و خطر گردد.

نویسنده در ادامه به جائز بودن استصناع اشاره و می‌نویسد.

این تحلیل اگر درست باشد، بر اساس آن، الزام سازنده به ساخت کالا وجهی ندارد مگر اینکه شرط ضمنی در این مورد وجود داشته باشد. (هاشمی، ص ۱۷ - ۱۶)

قابل توجه است که نویسنده همانگونه که اشاره شد که وجوه پنجگانه را برای توجیه استصناع مطرح نموده است. اما به طریقی خدشه بر توجیهاات وارد نموده است ولی به نظر می‌رسد خدشه‌ای بر اینکه استصناع عقد مستقلی است وارد نیست و دلایل بر عقد مستقل بودن آن نظیر عقد بیمه کاملاً متقن و خدشه ناپذیر باشد. و توجیه دوم ایشان نیز صحیح به نظر می‌رسد.

جائز بودن این عقد نیز با شرط ضمن عقد لازم، قابلیت لزوم را دارد.

آیه الله تسخیری نیز بر اساس سیره متشرعه عقد استصناع را اینگونه تصحیح نموده است که ترجمه و تلخیص آن چنین است.

مهمترین دلیلی بر صحت عقد استصناع ارایه شد. اجماع عملی است که فقهای حنفیه بیان کردند که در فقه امامیه به سیره متشرعه یاد می‌شود. گر چه سیره متشرعه مصدر ابتدایی احکام شرعیه نمی باشد ولی با دارا بودن دو شرط ذیل می‌تواند کاشف از احکام شرعی باشد:

شرط اول اینکه یقین حاصل شود این سیره در زمان رسول الله (صلی الله علیه وآله) هم به عنوان یک سیره قطعیه مطرح بود.

شرط دوم اینکه نهی خاص یا عامی از طرف شارع مقدس در طرد آن نیامده باشد با تحقق این دو شرط چنین عملی از شارع مقدس تصحیح می‌شود.

اما بخصوص امتداد عقد استصناع که عقدی عرفی محسوب می‌شود تا زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و حتی قبل از آن زمان واضح و روشن است. اما آیا می‌توان روایت «لا تبع ما لیس عندک» را نهی از عقد استصناع تلقی کرد؟ در دلالت این روایت احتمالات گوناگونی ذکر شد نظیر اینکه روایت بر نهی از بیع مال غیر و یا نهی از بیع چیزی که تضمینی بر تسلیم آن وجود ندارد، دلالت می‌کند و با این احتمالات بی تردید این نهی شامل عقد استصناع نخواهد شد.

با ملاحظه استدلال فوق استصناع عقدی مشروع خواهد بود و در صورتی که وجود این سنت در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) اثبات نشود از آنجا که عقد استصناع عقدی عرفی است مشمول اطلاق آیه شریفه «اوفوا بالعقود» می‌شود و بدینوسیله مشروعیت آن اثبات می‌گردد (تسخیری ص ۷۵۹)

گر چه آیت اله تسخیری اجماع فقهای حنفیه را بر موضوع بیان می‌دارد ولی شیخ طوسی در کتاب خلافت (کتاب السلم ج ۳، ص ۲۱۵) بیان می‌دارد: سفارش ساخت، چکمه، کفش و ظرفهایی که از چوب، برنج، سرب و آهن ساخته می‌شود روا نیست. شافعی نیز همین دیدگاه را برگزید. در عین حال شیخ طوسی در همین جا بیان می‌دارد: ابو حنفیه می‌گوید: این قرار داد سفارشی جایز است زیرا مردم این قرار دادها را می‌بندند. شیخ در ادامه بیان می‌دارد دلیل ما بر بطلان اولاً اجماع بر این موضوع که

تحويل دادن این کالاها بر صاحب صنعت واجب نیست و او مخیر است که کالای مورد قرار داد را تحويل دهد و یا قیمت را به خریدار باز گرداند و خریدار هم مُلزم نیست که آن را تحويل بگیرد و اگر قرار داد درست می‌بود بر هم زدن آن جایز نبود ثانیاً کالای مورد قرار داد مجهول است یعنی نه با دیدن مشخص شده و نه از طریق بیان ویژگی‌ها و صفات، بنابر این، قرار داد مزبور نباید جایز باشد.

پس با توجه به مخالفت شیخ طوسی و نقل مخالفت او از شافعی چگونه می‌توان اجماع منقول حنفیه را پذیرفت گر چه فقهای پس از شیخ طوسی کمتر متعرض این مساله با عنوان استصناع شدند ولی از برخی کلمات در مباحث سلف و شروط آن در موارد درستی و نادرستی آن بطلان این عقد بر می‌آید (هاشمی، ص ۵)

در عین حال دلیل شیخ بر بطلان نیز قابل تأمل است زیرا اولاً اجماع منقول شیخ در خلاف در موارد بسیاری مورد پذیرش فقهای شیعه قرار نمی‌گیرد و ثانیاً نظر شیخ عمدتاً بر صورت ج در کلام آیت اله مومن منطبق می‌شود اما در صورت الف که قرار دادی امضاء شود که مطابق آن سازنده کالای مورد نظر را به ازاء قیمت مشخصی ملکیت سفارش دهنده در آورد و سفارش دهنده نیز بپذیرد. در این صورت با تملیک و تملک قطعی چرا صدق بیع بر این مورد محل تردید باشد و همینگونه است صورت ب که عنوان عقد بر آن تطبیق می‌کند. و ثالثاً چرا در همه فروض استصناع کالا مجهول تلقی گردد. بله اگر ویژگیها و صفات که عمدتاً موجب رغبت عقلاء است بیان نشود آنگونه که خود شیخ بدان اشاره نمودند. این عقد مجهول می‌شود اما آیا همه صور عقد استصناع این گونه است؟ امروزه در بسیاری از قرار دادهای استصناع در مورد طرحهای صنعتی حتی نوع مواد و در بعضی موارد شرکت یا کشور سازنده و ظرفیت و عمر مفید و... ذکر می‌شود. پس لاقلاً در این موارد جهالتی در کالای سفارش داده شده باقی نمی‌ماند.

پس گرچه نمی‌توانیم با دلایل اصلی آیه الله تسخیری موافقت کنیم اما با ذیل دلیل ایشان که استدلال به اطلاق آیه شریفه «اوفوا بالعقود» است، موافقیم. زیرا معنی و مفهوم عقد این است دو نفر بطور متقابل متعهد گردند که نسبت به هم عهده‌دار پیمانی شوند همانگونه که در «المصباح المنیر» (ص ۴۲۱) ذیل ماده عقد آمده است «عقدت الحبل (عقداً) من باب ضرب - (فا نعقد) و (العقده) ما یمسکه و یحسبه و یوثقه و منه قیل (عقدت) البیع و نحوه» ریسمان را محکم بستم - از باب ضرب - پس بسته نشد و عقده چیزی است که آن را نگه دارد و حبس نماید و محکم کند و به همین جهت گفته شد بیع کردم و نظیر آن.

به نظر می‌رسد تردیدی وجود نداشته باشد که عقد استصناع حتی در صورتی که اطلاق بیع بر آن نشود یعنی صورت الف در کلام آیه الله مؤمن محقق نباشد و صورت ب باشد از مصادیق عقد است زیرا مطابق آن سفارش دهنده سفارش کالایی خاص با ویژگی‌های مشخصی را به سازنده و مجری

پروژه داده است و متعهد شده است پس از ساخت قیمت آنرا بپردازد و یا در حین ساخت تا پایان ساخت نیز قیمت را با روش خاص و معین و زمان بندی شده پرداخت نماید.

از سوی دیگر می‌توانیم عقد استصناع را به عنوان مصداقی از عقد جعاله تصحیح نماییم. امام خمینی قدس سره (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۵۸) بیان میدارد: الجعاله هی الالتزام بعوض معلوم علی عمل محلل مقصود او هی انشاء الالتزام به او جعل عوض معلوم علی عمل كذلك و الامر سهل. جعاله التزام به عوض معلومی در قبال انجام عمل حلالی که مقصود عقلاء است، می‌باشد یا اینکه انشاء التزام به عوض معلوم است یا قرار دادن عوض معلومی بر عمل مشخص است و امر آسان است.

در اینکه جعاله عقد است یا ایقاع بین فقهاء اختلاف نظر است ولی فقهای مثل صاحب جواهر قول اصح را ایقاع بودن آن می‌دانند (جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۸۹) علی هذا استصناع را بصورت زیر در چهار چوب جعاله میتوان قرار داد. شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند اعلام کند هر فرد یا مؤسسه یا شرکتی این طرح مشخص را یا بخشی از عملیات ساختمانی و یا کالای خاصی را بسازد، این مبلغ مشخص را به او خواهم داد. و در این صورت نیازی به قبول از طرف سازنده یا پیمانکار طرح ندارد و هر فردی می‌تواند پس از انجام کار از جاعل مبلغ اعلام شده را اخذ نماید. ولی آنچه که در استصناع متعارف است از این قبیل نیست بلکه ماهیت قرار داد ماهیت عقدی است یعنی سازنده و پیمانکار قبل از مشروع طرح قرار داد مشخصی را امضاء می‌کند و ملتزم به اجرای طرح می‌شود و چه بسا در ابتدای کار نیز بخشی یا حتی تمام مبالغ مورد نظر را اخذ می‌کند و سپس کار را انجام می‌دهد. از این رو اگر جعاله را عقد قلمداد کنیم. استصناع خصوصاً در موارد ساخت طرحها و پروژه‌های مختلف اقتصادی که هدف انجام طرح با خصوصیات ویژه‌ای که از قبل اعلام می‌شود است، می‌تواند مصداق روشنی از جعاله باشد. گر چه در تعبیر صاحب جواهر (جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۱۹۱) آن اموری که در عقود مصطلحه لازم است تحقق یابد نظیر مشخص بودن جزئیات کاری که می‌خواهد انجام شود، در جعاله لازم نیست. از این رو مثلاً می‌توان قرار داد کار خانه تولید سیمان ۲۰۰۰ تنی منعقد نمود ولی اینکه در چه حجم عملیاتی دقیقاً مشخص و یا با چه مواد و یا دقیقاً در چه زمانی تحویل داده می‌شود در متن قرار داد ذکر نشود و یا بیان این امور مقداری همراه با ابهام باشد.

لازم به ذکر است که فقهاء معتقد به جائر الطرفین بودن جعاله هستند یعنی هم جاعل و هم عامل می‌توانند بدون دلیل و بصورت دلخواه جعاله را فسخ نمایند. امام خمینی (تحریر الوسیله، ص ۵۶۱ مساله ۱۵) بیان می‌دارد: الجعاله قبل تمامیه العمل جائزۃ الطرفین و لو بعد تلبس العامل بالعمل و شروعه فیه فله رفع الیه عن العمل. جعاله قبل از تمام شدن عمل از دو طرف جایز است ولو اینکه عامل مشغول به انجام آن شده باشد می‌تواند از عمل رفع ید کند. در عین حال در مسأله ۱۶ بیان می‌دارند اگر جاعل به واسطه ترک عمل عامل متحمل ضرر و زیانی شود واجب است بعد از شروع آنرا به اتمام برساند.

مثلا در صورتی که جعاله بر عمل جراحی منعقد شد بعد از شروع عمل عامل نمی تواند از اتمام آن رفع ید کند. (تحریر الوسيله ص ۵۶۲)

با توجه به اهمیت اجرای به موقع طرحها توسط پیمانکاران و ضرر و زیانی که بواسطه جانش بودن فسخ از یک طرف بدون موافقت دیگران قابل توجه است بعید نیست در این موارد خصوصاً طرحهای ملی و منطقه‌ای که عنوان جعاله بخوبی به آن منطبق می‌شود قائل به لزوم این قرار دادها بشویم. و اگر فسخ یک طرفه سبب ضرر و زیان قابل توجهی نباشد میتوان در قالب شرط ضمن عقد لازم عدم فسخ قرار داد استصناع را تصریح نمود.

از آنچه که بیان شد آشکار می‌شود که قرار داد استصناع را می‌توان با توجه به مصادیق در سه قالب زیر تصحیح نمود:

۱. در قالب بیع شخصی و معین
۲. در قالب عقدی مستقل و لازم الوفاء.
۳. در قالب جعاله اگر آنرا عقد بدانیم.

استصناع و قانون عملیات بانکی بدون ربا

بی تردید هر عقد و ابزار پیشنهادی باید در چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ مجلس شورای اسلامی قرار گیرد تا قابلیت اجرایی داشته باشد. در بند ۱ ماده ۱ تحت عنوان اهداف نظام بانکی استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل با ضوابط اسلامی به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور مطرح شد و در بند ۲ نیز فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاستها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پول و اعتباری به عنوان یکی از اهداف بیان شده است.

با توجه به اهداف فوق نظام بانکی موظف است متناسب با شرایط و موقعیت‌های اقتصادی جامعه به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور با ابزارهای پول و اعتباری مطلوب تلاش نماید. از این رو به جهت پیشرفت‌های گسترده نظام پولی کشورها داخلی و بین المللی و ضرورت پویایی سیستم بانکی تلاش برای تحقق ابزارهای نو ظهور امری ضروری و در عین حال اجتناب ناپذیر است.

همچنین در بندهای ۲ و ۵ و ۶ ماده ۲ این قانون وظایف نظام بانکی را اینگونه بیان داشته است:

بند ۲: تنظیم، کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار طبق قانون و مقررات.

بند ۵: انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار طبق قانون و مقررات.

بند ۶: اعمال سیاستهای پول و اعتباری طبق قانون و مقررات.

در بندهای فوق الذکر وظیفه نظام بانکی نیز در راستای تحقق بخشیدن به اهداف ذکر شده بیان شده است گر چه در ماده ۲ وظایف نظام بانکی به صورت کلی مطرح شد اما در ماده ۲۰ این وظایف خاص بر عهده بانک مرکزی گذاشته شده است ماده ۲۰ چنین است:

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می تواند با استفاده از ابزار ذیل، طبق آیین نامه در امور پولی و بانکی دخالت کند و در بند ۲ این اصل نیز یکی از موارد دخالت را بیان کرد: تعیین رشته‌های مختلف سرمایه گذاری و مشارکت در حدود سیاستهای اقتصادی مصوب و تعیین حد اقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرحهای سرمایه گذاری و مشارکت... و سر انجام در ماده ۳ آئین نامه فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تصویب نامه شماره ۸۸۵۲۶ هیات وزیران آمده است:

در حسن اجرای سیاست پولی و اعتباری و حفظ ارزش پولی، بانک مرکزی می تواند علاوه بر بکارگیری ابزار سیاست پولی موضوع قانون پولی و بانکی، در حدی که مغایر مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا بنا شد با تصویب شورای پول و اعتبار، با استفاده از ابزار ذیل، در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند.

با توجه به قوانین فوق می توان نتیجه گرفت:

اولاً باید نظام پولی و اعتباری کشور را بر مبنای حق و عدل در جهت سلامت و رشد اقتصاد تنظیم نموده و این نظام را باید متناسب با شرایط داخلی و بین المللی ارتقاء بخشید. ثانیاً: تنظیم و کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار و اعمال سیاستهای پولی و اعتباری و تعیین رشته‌های مختلف سرمایه گذاری و مشارکت بر عهده بانک مرکزی است. ثالثاً: روح حاکم بر همه ابزارهای سیاست پولی عدم مغایرت آنها با قانون و مشمول نبودن بر ربا (بهره) است. پس در طراحی ابزارهای جدید در عین حساسیت نسبت به کارایی مطلوب باید مراقب بود بوی ربا به عنوان یکی از مبعوض ترین امور به مشام نرسد.

با توجه به مباحث فقهی مطرح شده اگر استصناع در چهار چوب فقهی بیع یا جعالة قرار گیرد از آنجا که در قانون عملیات بانکی بدون ربا فصل تجهیز منابع پولی بیع و جعالة به عنوان یکی از عقود که بانکها می تواند به عنوان وکیل مردم سپرده‌های بلند مدت را در آن مسیر بکار گیرند شناخته شده ابزاری که بر اساس بیع و جعالة نیز طراحی می شود چون موافق با قانون است برای بکارگیری آن در سیستم بانکی و عملیاتی شدن آن بدون اینکه نیازی به قانون جدید مصوب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان داشته باشد تنها با موافقت شورای پول و اعتبار قابلیت اجرایی شدن دارد.

ولی اگر استصناع را به عنوان یک عقد مستقل محسوب نماییم در این صورت اصل بکارگیری آن نیازمند قانون جدید خواهد بود گر چه به نظر می‌رسد از نظر فقهی و اجرایی با مشکل خاصی مواجه نخواهد بود.

ضرورت بازارهای مالی

بازارهای مالی از آن جهت که امکان تبادل عرضه و تقاضای وجوه مالی را فراهم می‌آورند از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردارند. دارندگان وجوه اندک نیز می‌توانند در این بازار با سرمایه‌گذاری در آمدی برای خود بدست آورند و هر گاه نیز نیاز به نقد کردن این وجوه خود باشند و یا احساس می‌کنند سرمایه‌گذاری در زمینه دیگر اقتصادی سود آورتر است می‌توانند اوراق قرضیه یا اوراق بها دار دیگر نظیر اوراق سهام را در بازار ثانویه عرضه نموده و وجوه مورد نیاز خود را بدست آورند. در همه کشورها خصوصاً در کشورهای جهان سوم که بخش عظیمی از مردم از درآمدهای متوسط و یا زیر متوسط برخوردارند این بازارها می‌توانند قطره قطره سرمایه‌های مردم را جمع آوری نموده و صرف سرمایه‌گذاری در امور زیر بنایی نموده و در عین حال فرصت سیاستگذاری برای بانک مرکزی کشورها جهت کنترل نقدینگی را فراهم آورد. طبیعی است هر چه بازارهای مالی در سطح کشور گسترده‌تر و فراگیرتر باشد و از نظر کیفی نیز از شفافیت مناسب‌تر و از ابزارهای لازم و تخصص و نوآوری‌های مطلوب‌تری باشد و از نظر کیفی نیز از شفافیت مناسب‌تر و از ابزارهای لازم و تخصص و نوآوری‌های مطلوب‌تری برخوردار باشد توان جذب بیشتر سرمایه را خواهد داشت و کارایی نیز افزایش بیشتری خواهد یافت.

سیاست‌های پولی: ضرورت، اهداف و ابزارها

سیاست‌های پولی مجموعه اقداماتی است که مقامات پولی (بانک مرکزی) به منظور کنترل فعالیت‌های اقتصادی جامعه به کار می‌گیرند. به بیان ساده‌تر، سیاست پولی به معنای تصمیم‌گیری در مورد مقدار مطلوب پول و یا نرخ مطلوب رشد پول و یا نرخ مطلوب رشد پول برای تحت تأثیر قرار دادن فعالیت‌های اقتصادی (تولید، اشتغال و...) تعریف می‌شود. (مجتهد، ص ۲۸۲)

بانگاهی به تاریخ اقتصادی در می‌یابیم تا زمانی که پول تنها وظیفه مبادله داشت و پول رایج نیز سکه‌های طلا و نقره بود. کنترل حجم پول و اعمال سیاست‌های پولی عمدتاً از طریق برنامه ریزی برای استخراج این فلزات و یا تصمیم برای میزان واردات آنها صورت می‌پذیرفت. اما پس از ظهور رسیده‌ها و حواله‌های صرافان و سپس پیدایش پولهای کاغذی و قدرت خلق پول توسط بانکها، کنترل حجم پول نیازمند ساز و کاری متفاوت از گذشته بود. در این میان ظهور ادوار تجاری و رکودها و رونقهای اقتصادی نیز اهمیت سیاست‌های اقتصادی اعم از مالی و پول را دو چندان کرد. آیا دولت‌ها باید دست

روی دست بگذرانند تا دست نامرئی کارش را انجام دهد و اقتصاد در مسیر صحیحی که نه حالت رکود و نه رونق فوق العاده باشد، خود بخود قرار گیرد یا باید کاری انجام داد؟ دیدگاه سنتی اقتصادی قائل به دست نامرئی و اشتغال کامل بود و این دیدگاه تا قبل از بحران ۱۹۳۰ م استمرار یافت. اما در زمان بحران و تا چند دهه بعد از آن دیدگاه دیگری مطرح و غالب شد و آن دیدگاه کینز بود. در نظریه کینزی شرایط اشتغال ناقص حالت عمومی اقتصادها تلقی و حالت اشتغال کامل به ندرت اتفاق می‌افتد. در این نظریه هر گونه تعبیری که در حجم پول اتفاق بیفتند می‌تواند اشتغال را تحت تأثیر قرار داده و تولید ناخالص ملی و موازنه تجاری را متأثر سازد. در چهار چوب این نظریه بی تردید سیاست پولی جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. اما در دیدگاه کلاسیکی و سنتی اقتصاد، افزایش حجم نقدینگی از آنجا که نمی‌توانست تغییری در اشتغال ایجاد کند چون اشتغال کامل مفروض است از این رو تولید (Y) نیز افزایش نمی‌یابد.

در چهار چوب تئوری مقداری پول $MV = PY$ و با فرض ثابت سرعت گردش پول (V) صرفاً به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها P منجر می‌شود. در تئوری جدید جدید مقداری پول که توسط فرید من نیز ارائه شد سر انجام به مدل پیچیده تری به تئوری مقداری سنتی دست می‌یابد. (مجتهد، ص ۱۰۷ - ۱۰۱)

در عین حال او معتقد است چون در طول زمان نمی‌توان تولید را ثابت فرض کرد، متناسب با رشد تولید باید بر حجم نقدینگی جامعه افزود تا با نبود نقدینگی مناسب اقتصاد به رکود کشیده نشود. در هر صورت گر چه نظریات و تئوری‌های اقتصادی در میزان اثر بخشی سیاست پولی، دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه می‌کنند ولی واقعیت آن است که کار برد ابزارهای سیاست پولی به صورت گسترده و فعال در بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای جهان سوم هنوز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

عملیات بازار باز و اهمیت آن

عملیات بازار باز (OMO) فعالیتی است که در آن چهار چوب به بانک مرکزی اجازه و امکان داده می‌شود که متناسب با نیازهای اقتصادی حجم نقدینگی در گردش کشور را متعال سازد. برای دستیابی به این مقصود بانک مرکزی از اوضاع و احوال گوناگون اقتصادی اوراق بهادار اعم از اوراق قرضه دولتی یا مؤسسات وابسته به دولت، اسناد خزانه و حتی در برخی موارد اوراق بها دار خصوصی را خرید و فروش می‌کند.

هنگامی که اوضاع و احوال اقتصادی در جهت صعود قیمت‌هاست، بانک مرکزی می‌تواند با عرضه اوراق قرضه و اسناد خزانه در بازار، مقداری از نقدینه آن را جذب و از جریان خارج کند و بدین

طریق، با تقلیل حجم پول در گردش جلوی صعود قیمت‌ها را در حد خود بگیرد. همچنین در شرایط رکود و کساد بانک مرکزی می‌تواند مقداری از اوراق عرضه شده در بازار را بخرد و از این طریق تسهیلی در کار مردم، بانکها و اعطای اعتبارات فراهم سازد. (قدیری اصلی، ص ۳۴۶) همچنین در اقتصاد مبتنی بر بهره افزایش حجم اوراق قرضه در بازار سبب فزونی عرضه بر تقاضا و کاهش قیمت آن شده و این خود به معنای افزایش بهره این اوراق خواهد بود. زیرا اگر قیمت اوراق قرضه P و درآمد بهره‌ای

$$Y \text{ و نرخ بهره } r \text{ باشد این رابطه را خواهیم داشت: } P_b = \frac{Y}{r}$$

از آنجا که در آمد بهره‌ای نسبت مشخصی از ارزش اسمی ثبت شده روی اوراق است که ثابت می‌باشد ارتباط معکوس بین قیمت اوراق و نرخ بهره وجود دارد.

طبیعی است بانک مرکزی برای جذب نقدینگی از جامعه نمی‌تواند با همان قیمت سابقه که عرضه و تقاضای این اوراق در تعادل بود مقدار بیشتری از این اوراق را بفروشد. پس در راستای تحلیل عرضه و تقاضا باید قیمت اوراق کاهش یابد که سبب افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری و ممانعت از رونق کسب و کار شده و تقاضای کل کاهش و سطح عمومی نسبتها پایین خواهد آمد و اقتصاد به تعادل سوق می‌یابد. عکس این روند هنگامی که اقتصاد در رکود می‌باشد قابل اعمال است.

پس با کاربرد عملیات بازار باز می‌توان بیان داشت اگر اقتصاد تحت شرایط تورمی می‌باشد. برای جلوگیری از آن و ایجاد تعادل اشتغال کامل بدون تورم سیاست پولی انقباضی لازم است تا با محدود کردن اعتبارات سطح مخارج کل کاهش یابد و از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌شود. این هدف از طریق عملیات در بازار آزاد، زمانی حاصل می‌شود که بانک مرکزی در بازار آزاد اوراق قرضه‌ای را که در دسترس دارد با قیمت کمتری بفروشد. بدین ترتیب قدرت خرید مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد و سطح تقاضای کل کاهش می‌یابد و بالعکس اگر اقتصاد در رکود باشد و برای از بین بردن آن سیاست پولی انبساطی اعمال شود که هدف آن افزایش حجم پول در دست مردم می‌باشد. این هدف از طریق عملیات بازار باز زمانی بدست می‌آید که بانک مرکزی اوراق قرضه در دست مردم را با نرخ بهره بیشتری بخرد. در نتیجه این عمل، قدرت خرید مصرف‌کنندگان و سرمایه‌داران افزایش یافته و در نتیجه افزایش تقاضای کل حجم اشتغال و تولید افزایش می‌یابد. (مجتهد ص ۹ - ۲۸۸)

همانگونه که از تحلیل فوق آشکار می‌شود زمانی بانکهای مرکزی می‌توانند از این ابزار سیاستی به خوبی استفاده کنند که بازار بورس فعالی در کشور وجود داشته باشد و در کشورهای در حال توسعه که این مراکز خرید و فروش به صورت گسترده و در سطح کشور وجود ندارد و یا اینکه مردم بخوبی با آن آشنا نیستند و یا بدان اعتماد ندارند کارایی مناسب این سیاست محل بسیار تأمل است. زیرا برای عملی و کاربردی کردن این ابزار و یا ابزارهای مشابه در عرضه سیاست پول بستر سازی مناسب برای گسترش

کمی و کیفی بازارهای بورس امری ضروری است. گرچه زمانی که اوراق قرضه در ایران منتشر می‌شد به علت عدم استقبال مردم از آن اوراق قرضه دولتی به فروش نرفته توسط بانکها خریداری می‌شد. به عنوان نمونه در سال ۱۳۵۲ از جمع فروش اوراق بهادار دولتی حدود ۹۰ درصد توسط بخش بانکی خریداری شد و ۱۰ درصد به افراد و مؤسسات دولتی و خصوصی فروخته شده خرید اوراق قرضه توسط بانکها و تا حدی به وسیله مؤسسات اکثراً طبق مقررات بوده و بانک مرکزی نیز معمولاً مانده فروش نرفته اوراق منتشر شده را می‌خرد. و تنها افراد بودند که نسبت به تغییرات نرخ بهره از خود واکنش نشان می‌دادند (معاونت امور اقتصادی ص ۳۵)

بی‌تردید در صورتی که بازارهای بورس اوراق بهادار اولیه و ثانویه فعال باشند و مردم نیز در اثر ایجاد بسترهای مناسب از این اوراق استقبال نمایند و معظم این اوراق توسط مردم خرید و فروش شود. با افزایش یا کاهش نقدینگی در دست مردم تقاضای کل جامعه مستقیماً و سریع تر متناسب با نقدینگی افزایش یا کاهش خواهد یافت و دستیابی به اهدافی نظیر تعدیل نقدینگی فصلی، بحرانهای تورمی و خنثی سازی نوسانات ناشی از پرداخت و دریافت‌های وجوه آسانتر خواهد شد.

ضرورت طراحی ابزاری مناسب برای جایگزینی اوراق قرضه در عملیات بازار باز

بی‌تردید اوراق قرضه یکی از مهمترین ابزارهای مالی در بازارهای پول و سرمایه جهان به شمار می‌رود ولی به علت در بر داشتن بهره و ممنوعیت آن در اسلام در اقتصاد اسلامی جایگاهی ندارد. در چهار چوب اقتصاد اسلامی فروش اوراق قرضه به معنای قرض گرفتن از دیگری همراه با مازاد بهره است و خریدار آن در صورتی که از اوراق مدت دار خریداری شده و بخواهد تا پایان دوره صبر کند تا از انتشار دهنده اوراق اصل و فرع آن را بگیرد این به معنی استیفاء دین و دریافت مازاد بر اصل مبلغ اولیه است که ربا محسوب می‌شود.

پس مادامی چنین اوراق بهاداری در قالب حقوقی قرض که تملیک المال بضممان است قرار گیرد. حکم حرمت و ربا بر آنان بار می‌شود و امکان کاربرد این اوراق در اقتصاد اسلامی وجود ندارد و طبعاً از حضور آن در بازار پول نمی‌توان سخن مطرح نمود و متفرع بر آن این اوراق را نمی‌توان در مجموعه سیاستهای پولی یک نظام اسلامی قرار داد.

در ایران قانون اوراق قرضه در سال ۱۳۴۸ تصویب شد و در آن زمان قانوناً ربا مجاز بود. در ۱۱ ماده از قانون ۳۴ ماده مزبور. ربا دادن و ربا گرفتن از دولت شرکتها و اشخاص مجاز شمرده شده بود. در این قانون ربا به دو بخش تقسیم شده بود: یکی ربای اسمی و آن مقدار پولی است که اضافه بر مبلغ وام برای وام دهنده در نظر گرفته شده است و در اوراق قرضه ذکر شد مثلاً ۱۰٪ یا ۲۰٪؛ دیگری ربای فعلی می‌باشد که ارزش همان اوراق قرضه در بازار است، مثلاً سود تعهد شده از سوی دولت ۲۰٪ است ولی برای کسب سود بیشتر، این اوراق بیش از مقدار معین شده اش در بازار بفروش برسد.

هر دو نوع ربای مزبور در قانون مذکور مجاز شمرده شده بود. ولی پس از بررسی از سوی شورای نگهبان قانون اساسی ۱۱ ماده آن به دلیل تجویز ربا خواری مخالف شرع تشخیص داده شد و این مطلب در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی ابلاغ گردید و در روز نامه رسمی هم منتشر شد (مومن، ۲)، ص ۱۱)

در عین حال اوراق قرضه در چهار چوب عملیات بازار باز نقش بسیار مؤثری در تنظیم نقدینگی در شرایط رکود و رونق اقتصادی دارد و ابزاری مطلوب برای مقابله با بحرانهای کوتاه مدت و مقطعی و سیاستهای بلند مدت تلقی می‌شود.

سؤال این است حال که امکان استفاده از اوراق قرضه در اقتصاد اسلامی وجود ندارد و با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و حذف ربا در همه عرصه‌های بانکی این ابزار قانوناً مشکل حقوقی پیدا کرده آیا ابزارهای جایگزینی مناسبی می‌توان پیدا نمود تا در عین عهده داری کار کرد مطلوب بتواند در چهار چوب قانون عملیات بانکی بدون ربا قرار گیرد و با فقه اسلامی نیز مطابقت داشته باشد. گر چه تا کنون تلاشهای قابل تقدیری برای طراحی ابزارهای جایگزینی صورت پذیرفته است^(۳)، این مقاله در صدد است «اوراق بهادار استصناع» را به عنوان ابزاری مناسب برای اعمال سیاست پول مطرح

۳. به برخی از این تلاشها اشاره می‌شود:

– معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی کتابی را تحت عنوان سیاست‌های پولی - انتخاب به عنوان جایگزین سیاست انتشار خرید و فروش اوراق قرضه با توجه به موازین اسلامی در سال ۱۳۷۳ منتشر کرد که مسئول اجرای طرح تحقیقی آن محمد رضا مقدسی است. در فصل ششم تحت عنوان اوراق تامین مالی - ابزار جایگزین اوراق قرضه به قابلیت بکارگیری عقود مختلف مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا در پیش بینی ابزار جایگزین اوراق قرضه پرداخته و در چهار چوب خرید دین و فروش اقساطی، مشارکت و سرمایه گذاری مضاربه به ترتیب پیشنهاد، اوراق خرید دولتی، اوراق سرمایه گذاری و اوراق مضاربه را مطرح نمود. در این کتاب تلاش شده چهار چوب‌های حقوقی مناسب نیز برای اجرای این اوراق بها دار ارایه شود.

– سعید فراهانی، نیز در فصل ششم کتاب سیاستهای پول در بانکداری بدون ربا، به بررسی ابزارهای جایگزین در نظام بانکی غیر ربوی پرداخته است و علاوه بر سه مورد فوق، تنزیل بدهی مردم به دولت نزد بانک مرکزی و اوراق قرضه بدون بهره را نیز مطرح کرد.

– سید عباس موسویان در کتاب سیاستهای پولی (۲) که موسسه تحقیقات پولی در بهار ۱۳۷۹ چاپ کرد در مقاله «بررسی فقهی - اقتصادی ابزارهای جایگزین عملیات بازار باز و معرفی ابزاری جدید، به نقد و بررسی ۵ نوع اوراق جایگزین اوراق قرضه به قرار زیر پرداخته است:

۱. اوراق قرضه بدون بهره دولتی

۲. اوراق خرید نسبه دولتی

۳. اوراق مضاربه دولتی

۴. اوراق مشارکت دولتی

۵. گواهی‌های سپرده مشارکتی انتقال پذیر

– حسین عبوضلو در کتاب «تحلیل فقهی - اقتصادی اوراق قرضه در بازارهای پول و سرمایه ایران که پژوهشکده پولی و بانکی در زمستان ۱۳۸۳ منتشر کرد در فصل پنجم تحت عنوان اوراق بهادار جایگزین اوراق قرضه در اقتصاد اسلامی، اوراق زیر را به عنوان جایگزین مطرح کرد:

۱. اوراق تبدیل

نماید. تا آنجا که نویسنده این مقاله تتبع کرده است پیشنهاد شکلگیری این اوراق اول بار در این مقاله مطرح میشود.

ضوابط حاکم در طراحی ابزارهای جایگزین

اولین ضابطه حاکم در طراحی این ابزارها خروج از ماهیت عقد قرض در این ابزارهاست با خروج از ماهیت قرض که تملیک نمودن مالی به دیگری همراه با ضمان است (امام خمینی، ص ۶۱۸) و توسل شدن به عقود غیر آن در طراحی اوراق بهادار می‌توان مشکل باز دهی ثابت و متغیر را حل نمود. به عنوان مثال اگر اوراق بهادار در قالب حقوقی عقد مشارکت ریخته شود کسی که این اوراق را خریداری می‌کند. سرمایه صرف شده در این جهت در ملک خریداری باقی می‌ماند و سود حاصل از فعالیت اقتصادی مبتنی بر مشارکت با دیگران با نسبتی خاص قابلیت تقسیم بین مشارکت کنندگان را خواهد داشت و همین مقدار که این قرار داد در چهار چوب حقوقی عقد قرض قرار نگرفت حکم ربا و ممنوعیت و حرمت بر آن بار نخواهد شد. حتی اگر فرض شود برخی از شرایط صحت قرار دادهای دیگر محقق نگردد، در نهایت عقد مذکور باطل خواهد شد و در همه موارد بطلان عقد طبق قاعده فرعیست نماء بر اصل مال و سود حاصل از آن از آن صاحب مال خواهد بود و شخصیت حقیقی یا حقوقی که این سرمایه‌ها را به کار گرفته است مستحق اجرة المثل خواهد بود و اگر از سود حاصل غیر از اجرة المثل چیزی باقی مانده باشد ملک صاحب مال خواهد بود و عنوان ربا و طبعاً حرمت آن بر این موضوع تطبیق نمی‌شود. پس در تنظیم قرار دادهای از یک سو باید بسیار دقت نمود که مصداقی از مصداق عقد قرض تحقق نیابد و از سوی دیگر باید تلاش نمود عقدی صحیح و مطابق شرع مقدس و فقه اسلامی منعقد گردد.

در چهار چوب ذکر شده حتی پرداخت باز دهی ثابت و از پیش تعیین شده نیز مشکلی نخواهد داشت، به عنوان نمونه اگر اوراق مشارکت توسط دولت منتشر و توسط مردم خریداری شود دولت می‌تواند متعهد شود که پس از فرا رسیدن سر رسید مثلاً ۵ سال ۱۵ درصد بازدهی ثابت به مشارکت کنندگان تعلق گیرد. در ساده ترین و در عین حال بدترین صورت می‌توان در نظر گرفت در پایان عمر طرح این طرح هیچگونه بازدهی نیز ندارد ولی دولت می‌تواند به لحاظ منافع اجتماعی این طرح اجرا شده در ۵ سال را با قیمتی برابر سرمایه اولیه که توسط مشارکت کنندگان داده شد به همراه ۱۵٪ اضافه به ازاء هر سال، از آنان خریداری کند و در واقع در طول این ۵ سال سرمایه از آن مشارکت کنندگان بود و با این خرید مجموعه پروژه به ملکیت دولت در خواهد آمد. تعهد دولت مبنی بر خرید در آینده با

۲. اوراق مشارکت

۳. اوراق قرضه بدون بازده واقعی

۴. اوراق قرضه بین بانکی

افزایش ۱۵٪ در هر سال نیز هرگز مصداقی از مصادیق ربا نخواهد بود. گر چه از سوی دیگر مردم در قالب عقد مشارکت مازاد بر اصل سرمایه مبلغی تحت عنوان سود مشارکت به صورت یکجا و یا هر چند ماه یکبار و یا حتی ماهانه دریافت خواهند کرد. علاوه بر ضابطه فوق که از اهمیت خاص جهت مطابقت عقود با فقه اسلامی و غیر ربوی بودن آنها برخوردار است اوراق جایگزین باید واجد خصوصیات زیر نیز باشند:

۱ - قابلیت تامین اعتبار مالی، اوراق جایگزینی بایستی به گونه‌ای باشند که دولت بتواند از طریق فروش آنها طرح یا طرحهای مشخصی را تأمین اعتبار کند.

۲ - قابلیت برای ابزار سیاست پولی، اوراق مذکور بایستی به گونه‌ای باشند که بانک مرکزی بتواند با خرید و فروش آنها اقدام به افزایش و کاهش حجم پول و نقدینگی در اقتصاد کند.

۳ - قابلیت تشکیل بازار، اوراق بایستی چنان طراحی شوند که اعتماد مردم به آنها جلب شود به طوری که در عمل بازاری فعال برای خرید و فروش آنها شکل گیرد برای این منظور باید موارد زیر مورد توجه قرار گیرد.

الف) اوراق باید دارای عنصر انگیزشی برای مردم باشد تا مردم و مؤسسات بخش خصوصی اقدام به خرید و فروش آن بکنند. و این عنصر قابلیت تغییر داشته باشد تا بتوان با تغییر آن، مقدار خرید یا فروش مورد نظر را تأمین کرد:

ب) اوراق باید از جهت مسائل حقوقی مالی دارای ضوابطی روشن باشد یعنی مسائل مربوط به اصل مبالغ پرداختی، سود حاصله، زمان و مکان پرداخت نحوه خرید و فروش اولی و ثانوی، نحوه رسیدگی به اختلافات اجتماعی دقیقاً روشن باشد.

ج) اوراق بایستی قابلیت تجدید انتشار در سر رسید داشته باشد تا بتوان در سر رسید اوراق قبلی اوراق جدیدی را منتشر و جایگزین کرد.

د) منابع مالی حاصل از فروش اوراق از امنیت کافی ولو از طریق پوششهای مختلف بیمه برخوردار باشند. (موسویان (۱)، ص ۱۸۹)

با توجه به ضوابط و خصوصیات فوق الذکر تلاش می‌شود اوراق بهادار استصناع با دارا بودن این خصوصیات از کارایی مطلوب و مناسب برخوردار بوده و جایگزین مطمئنی برای اوراق قرضه تلقی گردد.

چگونگی انتشار اوراق بهادار استصناع

عقد استصناع به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم قابل انعقاد است:

صورت اول: استصناع مستقیم

وزارتخانه‌ها و سازمانهایی که می‌خواهند طرحهایی را در سطح ملی یا منطقه‌ای اجرا نمایند اما اعتبارات لازم برای اجرای آن را در زمان حاضر ندارند همچنین بانکهای تجاری و تخصصی و مؤسسات پولی و اعتباری که به دلایلی تمایل به اجرای طرحها و پروژه‌های مختلف دارند می‌توانند با شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی به عنوان پیمانکار قرار داد استصناع ببندند. بدین گونه که سفارش ساخت طرح‌های بزرگ نظیر راه سازی، سد سازی، شهر سازی و یا طرحهای کوچک نظیر احداث ساختمان، شرکت، تکمیل پروژه‌های مورد نظر یک شرکت موجود یا حتی طرح‌های انفورماتیک در زمینه ترافیک، حمل و نقل و ساختار شرکتها و... را به پیمانکاران بدهند. در مقابل نهادهای فوق الذکر بجای پرداخت همه یا بخشی از مبالغ قرار داد مثلاً ۱۰ میلیارد تومان به پیمانکار اوراق استصناع با سر رسید مشخص که طرح در آن سر رسید به اتمام می‌رسد و یا در حال اتمام است مثلاً ۲ ساله، ۵ ساله یا ۱۰ ساله یا ترکیبی از آنها به تناسب قرار داد، داده می‌شود.

پیمانکاران و مجریان طرحها می‌توانند با سرمایه‌های دیگری که احیاناً در اختیار دارند طرح را آغاز و به پیش برند و در سر رسید با تحویل اوراق استصناع مبالغ را از سفارش دهنده دریافت دارند. و در صورتی که به هر دلیل نیاز به پول نقد دارند می‌توانند همه یا بخشی از این اوراق را در بازار اولیه یا بانکهای عامل واسطه ارایه کنند و با فروش همراه تنزیل آن اوراق به مبالغ مورد نظر دست یابند. بدیهی است قیمت این اوراق در بازار قیمت سر رسید آن (در مثال ۱۰ میلیارد تومان) نخواهد بود بلکه به تناسب زمان باقیمانده تا سر رسید به قیمت سر رسید نزدیک می‌شود. خریداران این اوراق نیز می‌توانند در صورت نیاز به پول نقد هر زمان قبل از سر رسید می‌توانند به بازار ثانویه یا بانکهای عامل مراجعه کرده و به تناسب مدت باقیمانده به فروش آن اقدام کنند و در صورتی که تا زمان سر رسید صبر نمایند می‌توانند از منتشر کننده اوراق قیمت اسمی آن که مندرج در آن است را دریافت نمایند. دارندگان این اوراق به تناسب موقعیت اقتصادی کشور و اهمیت و اعتبار شرکت مورد نظر در طول دوره ساخت می‌توانند سود مورد انتظار را به فروش اوراق کسب نمایند.

صورت دوم: استصناع غیر مستقیم

در صورتی که طرح کوچک است و یا طرحی بزرگ به طرحهای کوچک تبدیل می‌شود پیمانکاران جزء در چنین قد و قواره‌ای نمی‌توانند با وزارتخانه‌ها سازمانهای کشور وارد قرار داد شوند و یا پیمانکار توان فروش اوراق استصناع در بازار اولیه را ندارد در این صورت وزارتخانه‌ها یا سازمانهای دولتی می‌توانند با یک بانک معتبر نظیر بانک ملی وارد قرارداد استصناع شوند و در مقابل این تعهد بخشی یا همه مبالغ قرارداد به صورت اوراق استصناع به بانک داده می‌شود بانک اکنون خود با پیمانکاران جزء طرف حساب می‌شود. می‌تواند همه اوراق یا برخی از آنها را تنزیل کند و به تناسب کار و پیشرفت طرح به پیمانکاران جزء پرداخت نمایند. در صورتی که بانک بتواند صبر کند تا این مبالغ را تا سر رسید دریافت دارد این کار را انجام داده و اگر نیاز به همه یا مبالغی از آن را داشت می‌تواند در بازار اولیه به پول نقد تبدیل نماید. خریداران این اوراق نیز می‌توانند این اوراق را در بازار ثانویه عرضه و به پول نقد تبدیل کنند. طبیعی است برای اینکه این اوراق مورد رغبت مردم قرار گیرد باید ضمانت‌های لازم صورت پذیرد تا مردم با اطمینان از اینکه سرمایه‌هایشان محفوظ خواهد ماند به این عرصه وارد شوند. از این رو لازم است انتشار این اوراق با ضمانت وزارت اقتصاد و دارایی یا سازمان مدیریت و برنامه ریزی و با مجوز رسمی بانک مرکزی منتشر شود. و در صورتی که بازار ثانویه بورس فراگیر و گسترده و سهل الوصول نیست همانگونه که در اوراق مشارکت از بانکهای عامل ویژه استفاده شد در این طرح نیز از آنان استفاده شود. همچنین لازم است سررسید این اوراق به تناسب طرح‌ها و کالاهای مورد نظر به دقت تعیین شود و کیفیت مراجعه تا زمان سر رسید و در زمان خود سر رسید نیز کاملاً مشخص و شفاف باشد.

با استفاده از شیوه استصناع مستقیم و غیر مستقیم دولت و نهادهای دولتی می‌توانند کسری بودجه خود را در ارتباط با پروژه‌های عمرانی تأمین مالی نمایند و از آنجایی که سر رسید این اوراق پس از دوره اتمام طرح یا زمانی که طرح در حال اتمام است می‌باشد و مبالغ در آن زمانها پرداخت می‌شود، تزریق این مبالغ چون تقریباً همراه و متناسب با افزایش حجم کالا یا خدمات و رشد اقتصادی است، آثار منفی بسیار کمی بر جامعه می‌گذارد. با استفاده از اوراق استصناع سیاست مالی انبساطی ملایم همراه با زمانمندی‌های خاص می‌تواند صورت گیرد و دولت و نهادهای دولتی به تناسب موقعیت اقتصادی ویژه و نیازمندی اقتصادی سیاستهای مالی انبساطی و انقباضی اعمال نمایند. در صورت نیاز به سیاست مالی انقباضی از اجرای طرحهای مصوب صرف نظر کرده و قرار داد ساختی در ارتباط با آنها امضا نخواهد کرد و یا اساساً اقدامی برای اجرای آن انجام نمی‌دهد.

اعمال سیاست پولی

بانک مرکزی می‌تواند از طریق عملیات بازار باز تمام یا بخشی از این اوراق استصناع را تنزیل و خریداری نموده و مبالغی را به دارندگان آن بدهد و با این اقدام به سیاست پول انبساطی اقدام ورزد. یعنی در شرایط رکود اقتصادی این اوراق با قیمت بیشتری نسبت به قیمت رایج بازار خریداری می‌شود. از این طریق حجم نقدینگی جامعه به تبع آن مخارج و کل و قیمت‌ها و اعتبارات مؤسسات پولی افزایش می‌یابد. و بالعکس در شرایط رونق اقتصادی سیاست انقباضی پولی اعمال نموده و اوراق را با قیمت پایین تر به تقاضا کنندگان خواهند فروخت.

نکته‌ای که باید بدان پرداخت این است که اول بار که بانک مرکزی می‌خواهد وارد بازار اوراق استصناع شود تا این اوراق را خریداری کند یا هر وقت که می‌خواهد سقف آنرا افزایش دهد، عملاً سیاست انبساطی پولی به صورت ناخواسته اعمال می‌شود، به چه مجوزی بانک مرکزی وارد این ورطه شود در حالی که اقتصاد نیازمند این سیاست نیست؟

در پاسخ میتوان گفت گرچه آنچه که در سالهای اخیر در کشور ما اتفاق افتاد خرید ارزهای حاصل از فروش نفت از دولت توسط بانک مرکزی و افزایش پایه پولی بود که با پرداخت این مبالغ دولت کسری بودجه‌های خود را جبران می‌کرد ولی می‌توان برای ورود بانک مرکزی به بازار استصناع بخشی از خرید ارز را متوقف و به جای آن بانک مرکزی اقدام به خرید اوراق استصناع نماید و در واقع همان مقدار پول پر قدرت را اما از طریق اوراق استصناع، به اقتصاد تزریق کند. گرچه به خوبی می‌پذیریم که این سیاست نیز سیاست انبساطی پولی است ولی از آنجا که این سیاست از طریق خرید ارز در هر صورت، اعمال می‌شد و تنها طریق اعمال سیاست تفاوت یافت، کمترین هزینه برای اقتصاد کشور را به دنبال خواهد داشت. در عین حال زمینه برای اجرای بدون مشکل عملیات بازار باز برای دولت فراهم خواهد آمد.

روند فوق الذکر در صورتی می‌تواند به عنوان ابزار مناسبی برای سیاستهای پولی تلقی گردد که همواره اوراق استصناع در زمانهای مختلف و در طرحها پروژه‌های مختلف قابلیت انتشار در سر رسیده‌ها را داشته باشد تا با جایگزینی برخی نسبت به دیگری استمرار سیاستگذاری را ممکن نماید. با استمرار این سیاست و تدارک نو به نوبه اوراق استصناع بر روی تفاضل خرید و فروشها می‌توان به اعمال سیاست‌های پولی انبساطی یا انقباضی اقدام نمود.

شرایط لازم فقهی در اوراق استصناع

در این قسمت به این نکته می‌پردازیم که با توجه به ماهیت استصناع، اوراق بهادار استصناع از نظر فقهی چه شرایطی را باید دارا باشند.

اگر استصناع را از مصداقی از بیع سلم بدانیم، ضروری است قیمت مورد توافق در مجلس عقد اخذ شود و مدت دار نباشد. و در این صورت عقد استصناع کار کردی در ارتباط با سیاست پولی و عملیات بازار باز نخواهد داشت چون تصویر ارایه شده از اوراق استصناع داشتن سر رسید مشخص در آینده است که دارنده آن در پایان دوره بتواند به انتشار دهنده آن مراجعه و مبلغ درج شده بر ورق را دریافت دارد.

اگر استصناع و یا مواردی از آن را مصداقی از بیع شخصی بدانیم در این صورت مثل معاملات شخصیه می‌توان مبلغ را به تأخیر انداخت و پس از مدت سر رسید پیمانکار یا صاحب این اوراق بتواند مبلغ درج شده در ورقه را از انتشار دهنده اخذ کند.

اگر استصناع را از باب جعاله تصحیح کنیم در جعاله نیز شرط نیست که در مجلس مبلغ به عامل پرداخت شود بلکه پس از پایان کار یا حتی با تأخیر و یا با اقساط از پیش تعیین شده می‌توان اوراق استصناع را با سر رسیدهای مشخصی به سفارش پذیر تحویل داد.

و سر انجام اگر استصناع را عقدی مستقل از سایر عقود بدانیم در این صورت همه شرایطی که عرف عقلاء در معاملات خود در عقد استصناع دارند به همان صورت تصحیح می‌شود و بنابر این اوراق استصناع با همه ویژگی‌های قابلیت آن را دارد که در پروژه‌ها و طرح‌های مختلف بکار گرفته شود. و با سر رسیدهای یکسان یا متعدد در قبال کاری که در آینده پیمانکار به اتمام می‌رساند پرداخت شود.

پس می‌توان بیان داشت تنها در صورتی که استصناع از باب بیع سلم قابل تصحیح باشد امکان ابزار سازی برای اعمال سیاست پولی وجود ندارد و از این رو با صرف نظر از سلم قابلیت کامل برای بکارگیری در سیاست پولی را در صورت دیگر خواهد داشت.

نکته‌ای که باید بدان اشاره نمود این است که چون در بازار اولیه و ثانویه اوراق استصناع قبل از سر رسید به قیمت کمتری خرید و فروش یعنی تنزیل می‌شود، باید تنزیل از نظر فقهی مشکلی نداشته باشد. و از آنجا که مشهور فقهاء مخالفتی با تنزیل ندارند لذا خرید و فروش اوراق استصناع در بازار بورس با ممانعی مواجه نخواهد شد.

ویژگی‌های اوراق بهادار استصناع

دیدگاه نگارنده بر این نیست که اوراق بهادار استصناع جایگزین اوراق مشارکت بشود، بلکه مقصود این است که اوراق استصناع در کنار اوراق مشارکت و مکملی برای آن بتواند جایگزین خوبی برای اوراق قرضه برای اعمال سیاست‌های انبساطی و انقباضی پولی شود و بانک مرکزی بتواند بسته به شرایط گوناگون اقتصادی از طریق عملیات بازار باز اقتصاد را به سمت و سوی مطلوب هدایت نماید. اگر اوراق مشارکت به معنای واقعی آن منتشر و مورد استفاده قرار گیرد بدین معنی است که چند نفر یا چند شخصیت حقیقی یا حقوقی برای انجام کاری مشخص با خرید اوراقی که نشان دهنده مقدار مشارکت آنهاست بر اساس قرار داد خاص با هم شریک می‌شوند وزارت اقتصاد و دارایی یا سازمان مدیریت و برنامه ریزی و پس از انجام کار سود حاصل که سود سرمایه است به نسبت مشارکت بین این عده تقسیم می‌گردد. این اوراق به گونه‌ای طراحی می‌شود که قابل خرید و فروش در بازار ثانویه باشد. برای رسمیت بخشی به این اوراق، وزارت اقتصاد و دارایی یا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آنرا تأیید میکنند. و وزارت خانهها و نهادهای مربوط نیز از سرمایه بدست آمده به عنوان وکیل مردم به سرمایه گذاری اقدام می‌ورزند.

با ملاحظه این ویژگی‌ها در می‌یابیم سود اوراق مشارکت از قبل تعیین شده نیست و متناسب با سودی که در پایان پروژه بدست می‌آید تقسیم می‌شود پس در اوراق مشارکت میزان سود غیر قطعی و همراه با مخاطره و ریسک است.

اگر در شرایط اقتصادی و وضعیت کسب و کار مطلوب باشد سود بالا و در غیر این صورت سود پایین و یا حتی ممکن است منفی باشد. گر چه سود علی الحساب و تضمین مقدار سود مشخص و از پیش تعیین شده از این مخاطره به مقدار زیادی می‌کاهد اما اگر در پایان پروژه محاسبه دقیقی از سود به عمل آید طبیعی است مقدار اولیه سود علی الحساب نباید مبنای تصمیم گیری مشارکت کنندگان قرار گیرد. پس با توجه به معنا و ماهیت واقعی اوراق مشارکت افرادی به خرید این اوراق اقدام می‌کنند که ریسک پذیر باشند. ولی می‌دانیم افراد از نظر روان شناختی و روحیات شخصی یکسان نیستند برخی ریسک پذیر و دوستدار ریسکند و همینکه درآمد و بازدهی زیادی را احتمال می‌دهند حاضرند در آن زمینه سرمایه گذاری کنند. افرادی با این روحیه مناسب است در اوراق مشارکتی که سود قطعی آن علی القاعده تعیین شده نیست و بسته به موقعیت اقتصادی آینده و شرایط سیاسی اجتماعی متغیر است سرمایه گذاری کنند. با وجود اوراق مشارکت قشری از اقشار جامعه سرمایه‌هایشان جذب می‌شود.

اما افشار دیگری از جامعه وجود دارند که به دلایلی تمایل دارند نسبت به مقدار بازدهی سرمایه شان مطمئن باشند و مثلاً طرحی در ذهن خود برای زندگی در آینده یا فعالیت اقتصادی خاص دارند که میزان عایدی برای آنان اهمیت دارد. طبعاً این افراد تمایل به سرمایه گذاری همراه با ریسک ندارند.

با انتشار اوراق استصناع می‌توان به جذب سرمایه‌های این عده نیز اقدام نمود و به همین جهت در ابتدا بیان داشتیم که اوراق استصناع در دیدگاه نویسنده مکمل اوراق مشارکت در جذب سرمایه‌هاست و نه جایگزین آن. توضیح اینکه با دقت در ماهیت عقد استصناع در می‌یابیم از آنجا که اوراق استصناع دارای سر رسید مشخص و معین مثلاً ۲ ساله، ۵ ساله یا ۱۰ ساله است فردی که این اوراق را با قیمت مشخصی در بازار اوراق بهادار می‌خرد می‌داند که در زمان سر رسید مقدار مشخص سرمایه که همان مقدار اسمی اوراق استصناع است که توسط انتشار دهنده آن مشخص شده است، را بدست خواهد آورد و از الان می‌تواند بدون هیچ گونه مخاطره و ریسکی روی آن مبلغ برای خود طرح و برنامه‌ای داشته باشد. زیرا قیمت این اوراق در سر رسید متناسب با شرایط رونق و رکود اقتصادی تغییر نخواهد کرد بلکه همچنان مقدار ثابتی باقی خواهد ماند. گر چه اگر بخواهد قبل از سر رسید بفروشد قیمت این اوراق متأثر از شرایط اقتصادی خواهد بود.

هنگامی که اوراق استصناع به ازای انجام طرح و پروژه‌ای با قیمت مشخصی در زمان سر رسید به پیمانکار داده می‌شود فی الواقع همه ریسک به او منتقل می‌شود و چون کسی که اوراق استصناع را صادر می‌کند در زمان سر رسید مبلغ مشخصی را در ذمه خود پذیرفته است که با تغییر اوضاع و احوال اقتصادی سیاسی و اجتماعی تغییر نمی‌کند. اما پیمانکار که انجام این کار را تا زمان مشخصی تعهد کرده است ممکن است در اثر شرایط فوق الذکر با سود بیشتر یا کمتر و یا حتی با زیان قابل توجهی مواجه شود. اما افرادی که در اوراق استصناع سرمایه گذاری می‌کنند بدون هیچ ریسکی در زمان سر رسید از سود از پیش تعیین شده برخوردار خواهند شد.

از تفاوت بین این دو اوراق می‌توان نتیجه گرفت چون سود انتظاری اوراق مشارکت همراه با مخاطره و عدم اطمینان است باید نرخ آن بالاتر از نرخ سود اوراق استصناع باشد تا افراد رغبت بیشتری به خرید آن از خود نشان دهند.

نکته دیگر که می‌توان در ارتباط با بازدهی مشخصی مطرح نمود این است که به جهت این نوع بازدهی که اوراق استصناع دارد گرچه هم برای پروژه‌های کوتاه مدت و هم برای پروژه‌های بلند مدت قابلیت بکارگیری دارد ولی برای پروژه‌های کوتاه مدت از جهاتی مناسب تر است. زیرا مثلاً قیمت فعلی پروژه با نرخ بازدهی ۱۰٪ یا ۱۵٪ می‌تواند مبنای میزان قیمت اسمی اوراق استصناع قلمداد شود از آنجا که نرخ‌های تورم برای کوتاه مدت مثلاً یکسال یا دو سال قابل پیش بینی است این نرخ‌های بازدهی می‌تواند نرخ واقعی تلقی گردد. دولت یا دستگاه‌های انتشار دهنده این اوراق می‌توانند با برنامه مشخص

پروژه‌های کوتاه مدت خود را از این طریق تامین مالی کنند و خریداران اوراق هم می‌توانند به بازدهی‌های مورد انتظار دسترسی پیدا کنند.

اما از آنجا که اگر اوراق مشارکت به معنای واقعی خود تحقق یابد سود و یا زیان احتمالی در آینده مشخص می‌شود بهتر است از این اوراق در میان مدت یا بلند مدت بیشتر استفاده شود زیرا چون مدت زمان اجرای طرح طولانی است احتمال تغییرات در روند اقتصادی به سمت رونق یا رکود و یا ترکیبی از این دو وجود دارد و از این رو دستیابی به سود قطعی آنهم به میزان مشخص مثلاً ۱۰٪ یا ۲۰٪ در طول ۵ یا ۱۰ سال با مخاطره و ریسک مواجه است. در این صورت اوراق مشارکت چون ریسک را بین همه سرمایه‌گذاران توزیع می‌کند و سود پایان انجام طرح بر آیندی از هم ریسک‌ها و نا اطمینانی طول دوره است به نظر مناسب تر باشد.

نکته جالب توجه این است با توجه به طرح‌های فراوان نیمه تمامی که اغلب به جهت کمبود اعتبارات متوقف ماندند اوراق استصناع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود زیرا در زمان شروع اغلب این طرح‌ها که با توجیحات فنی، اقتصادی و یا حتی سیاسی، مقداری بودجه مثلاً ۱۰٪ اختصاص داده می‌شود ولی در سالهای بعد به علت محدودیت اعتبارات اجرای این طرحها متوقف می‌شود اما در صورتی که اگر در ابتدای طرح به پیمانکار اوراق استصناع داده شود دولت خود را موظف می‌داند با تضمینی که وزارت اقتصاد و دارایی یا هر نهاد معتبری نموده است در زمان سر رسید کل مبلغ پرداخت شود، در عین حال پیمانکار نیز از آنجایی که می‌تواند این اوراق را تا زمان سر رسید نگهدارد و تبدیل به پول کند و یا اینکه در ابتدا یا وسط دوره آنرا با قیمت کمتر از قیمت اسمی بفروشد و دغدغه‌های اعتباری نداشته و تلاش می‌کند در سر موعد مقرر طرح را به پایان رسانده و آن را تحویل نماید. گرچه در زمان سر رسید اوراق استصناع نهاد انتشار دهنده باید معادل مبلغ اسمی پول را در اختیار دارنده آن قرار دهد ولی از آنجا که طرح علی‌القاعده در مدت سر رسید یا حوالی آن به اتمام رسیده و محصول آن به بازار می‌آید مشکلی از جهت افزایش نقدینگی نیز ایجاد نمی‌کند زیرا متناسب با رشد محصول اگر پول بیشتری به جامعه تزریق شود نه تنها مشکلی را ایجاد نمی‌کند بلکه نبود نقدینگی مناسب در این صورت مشکل زا خواهد بود.

نکته جانبی دیگری که در ویژگی اوراق استصناع می‌توان مطرح کرد این است که سیستم حسابداری برای این اوراق بر اساس بدهکار، بستانکار است که از سهولت خاصی برخوردار است و تصمیم‌گیری و میزان سود و زیان را محاسبه می‌شود ولی سیستم حسابداری در اوراق مشارکت از سنخ سرمایه و سود است زیرا کسی در اینجا طلبکار و کسی بدهکار نیست بلکه همه دارندگان این اوراق با هم در یک فعالیت اقتصادی مشارکت نمودند.

در مجموع انتشار اوراق بهادار استصناع و پذیرش آن در بازار بورس و استقبال مردم از آن اولاً می‌تواند کسری بودجه دولت را به شیوه‌ای مناسب تأمین مالی نماید ثانیاً نقدینگی بخش خصوصی را جمع آوری و آنرا به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد و تولیدی سوق دهد ثالثاً از نقدینگی جامعه در صورت نیاز کاسته و عرضه پول را کاهش داده و از این طریق به اهداف مورد نظر نظیر مهار تورم و ایجاد اشتغال و موازنه تجاری و... نایل آمد.

اگر اوراق استصناع بتواند این کار کردها را داشته باشد می‌تواند جایگزین خوبی برای اوراق قرضه دولتی باشد که در اقتصادهای سرمایه داری و بانکداری سنتی کاربرد وسیع و شایعی دارد.

خصوصیات اصلی اوراق استصناع پیشنهادی در جنبه ابزار پولی عبارتست از:

۱ - داشتن یک مبلغ معین که نشانه طلب قطعی دارنده آن می‌باشد.

۲ - داشتن یک سر رسید مشخص که نشانه روز قطعی برای باز پرداخت می‌باشد.

۳ - داشتن قابلیت معامله در بازار بورس اوراق بهادار اعم از اولیه و ثانویه.

این خصوصیات بعینه در اوراق قرضه وجود دارد و علاوه بر خصوصیات سه گانه در اوراق قرضه کوپن‌های سود با سر رسیده‌های شش ماهه تا سر رسید اوراق قرضه وجود دارد که در سر رسید قابل دریافت است ولی در اوراق استصناع چنین کوپن‌هایی متصور نیست. زیرا مبلغ اسمی فقط در سر رسید قابل دریافت است و هر چه به این زمان نزدیک می‌شویم قیمت بازاری آن افزایش می‌یابد تا حد اکثر به قیمت سر رسید برسد و دارنده این اوراق قبل از سر رسید بدون دریافت سودی مشخص می‌تواند قیمت بازاری آنرا دریافت کند.

نتایج و پیشنهادات:

۱. اوراق استصناع می‌تواند تا حدی خلاء وجود اوراق قرضه که در اقتصادهای مبتنی بر نرخ بهره نقش حساسی را ایفاء کند در اقتصاد کشورهای اسلامی پر کند و بانک مرکزی می‌تواند از طریق عملیات بازار باز، بسته به شرایط و موقعیت‌های اقتصادی سیاست‌های انبساطی و انقباضی مورد نظر را اعمال نماید.
۲. اوراق استصناع جایگزین اوراق مشارکت نیست بلکه مکمل آن است. از آنجا که اوراق استصناع دارای بازدهی ثابت و اوراق مشارکت علی‌القاعده دارای بازدهی متغیر است و افراد جامعه نیز دارای روحیات متفاوتند، بعضاً ریسک گریز و بعضاً ریسک پذیرند، طراحی این دو نوع اوراق می‌تواند سرمایه‌های مورد نیاز برای خرید این اوراق را از هر دو طیف افراد جامعه تامین نماید.
۳. اوراق استصناع با ملاحظه و رعایت موازین فقهی تنظیم شده و مطابق نظر مشهور فقها است و نیازی به مرتکب شدن به تاملات نامأنوس و غیر متعارف ندارد و قابل استفاده در چهار چوب قانون عملیات بانکی بدون ریاست از این رو ورود این اوراق به عرصه اقتصادی کشور با مانع جدی همراه نخواهد بود.
۴. گر چه در عنوان مقاله «اوراق بهادار استصناع ابزاری برای سیاست پولی» است ولی در عین حال این اوراق میتواند به عنوان ابزاری برای اعمال سیاست مالی نیز مورد استفاده قرار گیرد و از انعطاف لازم در نحوه پرداخت به پیمانکار و سفارش گیرنده استصناع به صورت اقساطی، مدت دار برخوردار باشد.
۵. آنچه در مقاله آمده است بررسی فقهی اقتصادی عقد استصناع برای بکارگیری آن به عنوان ابزار سیاست پولی بود اما چگونگی استفاده از این عقد در بانکداری بدون ربا بعضاً نیاز به تغییرات مواد قانونی دارد که در مباحث حقوقی باید مورد بررسی قرار گیرد.
۶. تنها در صورتی که استصناع را در چهار چوب عقد سلم قرار دهیم امکان ابزار سازی آن برای سیاست پولی وجود ندارد اما اگر آنرا در قالب عقد شخصی، و معین، معامله و عقد مستقل یا جعلیه تصحیح نماییم از نظر فقهی با محدودیتی در انتشار آن مواجه نخواهیم بود.
۷. باید شرائطی را در اقتصاد کشور فراهم نمود که افراد جامعه بتوانند با سهولت هر چه تمامتر درآمدهای مازاد خود و لو اندک را به گونه‌ای مطلوب سرمایه گذاری کنند. گرچه سرانه تولید ناخالص داخلی ایران در گزارش شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۰۵، ۲۰۶۶ دلار و بر اساس شاخص برابری قدرت خرید ۶۹۹۵ دلار اعلام شد و از این رو جزء کشورهای ثروتمند به هیچ وجه محسوب نمی‌شویم ولی با اطمینان می‌توان گفت که سرمایه‌های مازاد و کوچک و بزرگ فراوانی در دست افراد

وجود دارد که در صورت مدیریت مطلوب و صحیح و کارا می‌توان آنها را به سمت سرمایه گذاری و تولید بیشتر و رشد اقتصادی بالاتر رهنمون ساخت و در عین حال از آن برای اعمال سیاستهای مناسب اقتصادی استفاده نمود.

این مهم را در قالب گسترش بازارهای مالی و فراگیر نمودن اطلاعات مربوط به آن و سهولت در خرید اوراق بهادار، گستردگی و تنوع آنها به تناسب روحیات ریسک‌گریزی، ریسک‌پذیری یا ریسک‌خنثایی افراد جامعه، محقق ساخت. ضریب میل نهایی به پس‌انداز حدود ۳/۰ است و اگر شرایط اجتماعی اقتصادی، و سیاسی جامعه فراهم باشد علی‌القاعده همه یا بخش معظمی از پس‌اندازها باید به سرمایه‌گذاری در داخل کشور تبدیل شود ولی متأسفانه متوسط سرمایه‌گذاری جامعه تنها به ۰/۱۴ می‌رسد یعنی حدود نیمی از پس‌انداز جامعه به حفره پس‌انداز منتقل شده و افراد در شرایط ویژه اقتصادی کشور ترجیح می‌دهند دارایی خود را به تناسب پیش‌بینی نسبت به آینده کالاهای خاص به طلا، زمین، مسکن، و... که موانع تورمی (Inflation Hedge)^۴ شناخته می‌شود سرازیر کنند تا حد اقل قدرت خرید پول خود را محفوظ نگه‌دارند. ولی اگر شرایط مناسبی برای سرمایه‌گذاری ایجاد شود بتردید میزان سرمایه‌گذاری از ضریب ۰/۱۴ بسیار فراتر خواهد رفت و زمینه اشتغال بیشتر و در آمد بیشتر را فراهم خواهد ساخت. و این موضوع در شرایط فعلی کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است.

4. خریدن زمین یا سهامی که قیمت آنها همراه با تورم بالا برود و در نتیجه از کاهش ارزش پول ممانعت می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. تسخیری، محمد علی، الاستصناع، مجله مجمع الفقه الاسلامی، المجلد السادس، الجزء الثاني، ۱۴۱۰.
۲. الخمينی (الامام)، روح اله، تحرير الوسيله، موسسه تنظيم و نشر آثار امام الخمينی، ۱۴۲۱.
۳. زرقاء، انس، گواهی استصناع (سفارش ساخت)، ترجمه محمد زمان رستمی، مجله اقتصاد اسلامی ش ۱ ص ۱۲۸ - ۱۲۰.
۴. الطوسی، محمد بن حسن، کتاب الخلاف، ج ۳، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱.
۵. عیوضلو، حسین، تحلیل فقهی، اقتصادی اوراق قرضه در بازارهای پول و سرمایه ایران، پژوهشکده پول و بانکی، ۱۳۸۳.
۶. فراهانی، سعید، سیاستهای پول در بانکداری بدون ربا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۷. قدیری اصلی، باقری، سیاستهای پولی، کتابخانه فروردین، ۱۳۶۴.
۸. مجتهد، احمد، حسن زاده، علی، پول و بانکداری و نهادهای مالی، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۴.
۹. مجله مجمع الفقه الاسلامی، الدورة السابعة لمؤتمر مجمع الفقه الاسلامی، المجلد السابع، الجزء الثاني ۱۴۱۲.
۱۰. معاونت امور اقتصادی، جایگزین سیاست انتشار خرید و فروش اوراق قرضه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۳.
۱۱. موسویان، سید عباس، بررسی فقهی - اقتصادی ابزارهای جایگزین عملیات بازار باز و معرفی ابزاری جدید، مجموعه مقالات سیاستهای پولی (۲)، ص ۲۰۰ - ۱۸۱، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۹.
۱۲. مؤمن - محمد (۱) استصناع (قرار داد سفارش ساخت) مجله فقه اهل بیت ش ۱۲ - ۱۱ صص ۲۳۹ - ۲۰۱.
۱۳. مؤمن، محمد (۲) جایگاه اوراق مشارکت در نظام اقتصاد اسلامی، مجله معرفت، ش ۲۸ - صص ۱۷ - ۱۰.
۱۴. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر کلام، ج ۳۵، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۹۸.
۱۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود، استصناع، مجله فقه اهل بیت ش ۲۰ - ۱۹ صص ۲۴ - ۳.